

بسم الله الرحمن الرحيم

تا...

شهر شاعرانه‌ی

مهدیار

گزیده‌ای از اشعار فارسی م - م ناظر شرفخانه‌ای

ملک پور، محمدرضا، ۱۳۱۷-

تلا: شهر شاعرانه‌ی مهتاب / گزیده اشعار فارسی م.م. ناظر شرفخانه‌ای
(مستعار) - قم: بخشایش، ۱۳۸۸.

۱۶۰ ص

ISBN 978-964-182-044-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان. ب. عنوان: شهر شاعرانه‌ی
مهتاب.

۸ فا ۱/۶۲

PIR ۸۲۲۳ / ج ۶۶

ت ۷۵۸ م

۱۳۸۸

۱۳۸۸

انتشارات بخشایش

قم، خیابان صفائی، کوچه بیگدلی، پلاک ۱۴۳

تلفن: ۷۷۴۹۶۹۹ و ۷۷۳۷۵۸۳ - ۰۲۵۱



نشریه‌ها

نام کتاب: شهر شاعرانه‌ی مهتاب

مؤلف: م - م ناظر شرفخانه‌ای

ناشر: انتشارات بخشایش

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ: اول - ۱۳۸۹

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

فهرست

۶.....	پیش‌گفتار.....
۱۵.....	نظری به برخی از آثار ناظر شرفخانه‌ای.....
۲۴.....	راز هسته‌ی عشق.....
۲۸.....	پیک رهگشا.....
۳۰.....	آفتاب من.....
۳۲.....	آتش عشق.....
۳۵.....	شعر سبز.....
۳۷.....	سود و سودا.....
۳۹.....	غزل ناب.....
۴۱.....	مرهم مهتاب.....
۴۳.....	زاد روز عشق.....
۴۵.....	خاطره.....
۴۷.....	بهانه.....
۴۹.....	مژوارید باران.....
۵۱.....	مبتلا.....
۵۳.....	روح مسیحایی.....

۵۵.....	از کفر می کردم حذر
۵۸.....	یادگاری
۶۲.....	منال ای دل
۶۵.....	عشق یعنی؟
۶۷.....	تاشهر شاعرانه‌ی مهتاب
۷۰.....	رجعت
۷۲.....	صبح موعود
۷۴.....	تنها گناه
۷۶.....	در انتظار یارم
۷۸.....	کودکانه بگویم
۸۰.....	شیرین‌ترین کتاب
۸۲.....	بهار، مهرگان
۸۴.....	طلسم بسته
۸۶.....	ای دوست
۸۸.....	غریبه
۹۰.....	نگاه
۹۲.....	امینی تو
۹۴.....	پیچک پیچیده
۹۶.....	غیبت
۹۸.....	بازان کو؟

- ۱۰۰..... من از بهار چه بگویم؟
- ۱۰۲..... پرنده‌ی زخمی
- ۱۰۶..... شهر سپیده
- ۱۰۹..... دوبیتی‌ها
- ۱۱۸..... مادر توئی، تو.....
- ۱۲۳..... مادر زیبای من
- ۱۲۷..... حماسه‌ی مادر
- ۱۳۱..... نوه‌ی پنج ساله
- ۱۳۴..... لانه‌ی من را که به آتش کشید؟
- ۱۳۸..... هرگز به زیر ابر نمی‌ماند آفتاب
- ۱۴۳..... خزان
- ۱۴۷..... عقل
- ۱۵۲..... قطعه
- ۱۵۳..... دوبیتی
- ۱۵۴..... صفر منجمد
- ۱۵۵..... آتش
- ۱۵۶..... بزرگمردان
- ۱۵۷..... فرشته‌ی شب
- ۱۵۹..... شعری از غریق

پیش‌گفتار

زبان فارسی را اگر هم جزو زبان‌های گراماتیک ندانیم اما الحق باید یکی از شیواترین و انعطاف پذیرترین زبان‌های جهان دانست که به وسیله‌ی آن می‌توان هنر را چه به صورت منثور و چه به صورت منظوم به عرصه‌ی نمایش گذاشت و شاید همین ویژگی شگرف بوده که توانسته است به آسانی به کشورهای همجوار و حتی بلاد دور دست راه بگشاید و شاعران بزرگی را که شگفت‌انگیزترین آثار ادبی را به جهانیان عرضه داشتند تربیت کند. این زبان که زبان اصلی افغان‌ها و تاجیک‌ها و قسمتی از خراسان و فارس شرقی ایران بود در زمان سلطان محمود غزنوی به عنوان زبان رسمی برگزیده شد و به وسیله‌ی شاعرانی چون فردوسی، فرخی، منوچهری و غیرهم به نام زبان دری به سایر بلاد و مناطق زیر سلطه‌ی سلطان غزنه گسترش یافت و از این‌رو مشاهده می‌کنیم که در قرن‌های سوم و چهارم و حتی اواسط قرن پنجم هیچ شاعری از مرکز و سایر مناطق ایران آن روز در تاریخ به چشم نمی‌خورد، بلکه شاعران آن دوره‌ها را کلاً شاعران سمرقندی، بلخی، غزنوی، هروی، طوسی از قبیل: رودکی، دقیقی، فردوسی و دیگران تشکیل می‌دهند. لیکن با گسترش تدریجی این زبان به وسیله‌ی شاعران دربار سلطان غزنه به تدریج شاعرانی از شیراز، اصفهان، تبریز، گنجه، شیروان و سایر مناطق ظهور کرده و به این زبان استحکام و قوام بخشیده‌اند. و در این میان نقش شیخ مصلح الدین سعدی که با نظم و نثر شیوا و شیرین خود این زبان را به اوج کمال رسانید، از همه چشم‌گیرتر بوده است. بنابراین روشن و مبرهن است، اهالی سایر مناطق ایران آن روز نه تنها زبان دیگری داشتند بلکه با این زبان کاملاً بیگانه بوده‌اند به طوری

که ناصر خسرو علوی قبادیانی در سفرنامه‌ی خود در مسافرتی که به تبریز داشته است پس از شرح وضع اجتماعی تبریز آن روز چنین می‌نویسد (در تبریز قطران نام شاعری را دیدم که زبان پارسی نمی‌دانست اما به پارسی شعر نیکو می‌گفت)

پس از غزنویان سلجوقیان نیز این زبان را به عنوان زبان رسمی به تمام بلاد و مناطق تحت سلطه‌ی خود گسترش داده و برای تقویت و تکامل بخشیدن به آن سعی بلیغ نمودند اما اوج تکامل زبان فارسی را در عصر مغولان باید جستجو کرد و آنان زبان و خط فارسی را نه تنها متکامل و نیرومند ساختند بلکه به‌طور اعم هنر ایرانی را به اقصی بلاد ممالک متصرفه خود روانه کردند و در نشر آثار هنری ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند و شاعران بزرگی همانند سعدی و حافظ در عصر آنان پای به عرصه‌ی ظهور گذاشتند. گورکانیان از یک هم به همین منوال نه تنها در توسعه زبان فارسی از هیچ کوششی مضاعف فروگذار نکردند بلکه این زبان را به هند برده و زبان رسمی آن دیار نمودند در نتیجه شاعران بزرگی همانند صائب تبریزی و بیدل دهلوی که از پایه‌گذاران شبک هندی هستند از همین رهگذر به ظهور رسیدند.

صفویان هم که اصل و تبار آذربایجانی داشتند به دنبال گورکانیان در نشر و گسترش زبان و خط فارسی از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و شیوه‌ی خط فارسی را تعالی بخشیده و نسخ و نستعلیق و همچنین شکسته و ثلث که نشانگر انعطاف‌پذیری و هم‌گرایی و مهرورزی ایرانی بود در عصر صفویان زینت‌بخش کتب و گنبد‌های مساجد گردید همین‌طور ملمع‌گویی که به وسیله شاعران گذشته همانند سعدی، مولانا، حافظ، محمد فضولی، امیر عیشیر نوایی شاعر از یک که فرمولی از پذیرش گویش‌های متنوع و ائتلاف

در میان اقوام و ملل مختلف بود پی‌گیری شد و توسن زبان و خط فارسی همانگونه بی‌وقفه راه می‌برد و پیش می‌رفت تا آنجا که حتی دربار عثمانی را تحت تاثیر خود قرار داد.

در زمان قاجاریان نثر فارسی در کنار نظم فارسی از توجه خاصی برخوردار گردید و منشآت قائم مقام و دیگران دلیل بارز این تحول است قاجار که خود در درون خانه به زبان ترکی سخن می‌گفتند اجازه نمی‌دادند که کسی به زبان دیگر نامه رسمی بنویسد و شاعر آذربایجانی با زبان گلابیه‌آمیز در این باره چنین گفته است؛

او زو تورکدور، آتاسی تورک، دئییر تورکی نمی‌دانم

خدایا مضمحل ائيله گیلن سن آل قاجاری!

اما چرا سلاطین ترک این زبان را برگزیده و آن را تقویت بخشیده و زبان رسمی ممالک محروسه‌ی خود قرار دادند بحثی است پیچیده و ظریف که در جای دیگر به این بحث خواهیم پرداخت.

در اینجا باید یادآوری کرد اگر چه ترکان در شکوفایی زبان فارسی و گسترش آن به حداعلی کوشش نمودند اما در زمان آنها هرگز در میان ایرانیان مشکل هویتی وجود نداشت و آذربایجانیان که به زبان مادری ترکی سخن می‌گفتند همواره اشعار فارسی شاعران معاصر و گذشته را حفظ و از قرائت آن لذت می‌بردند. بیادیم هست که پدرم با این که فرد بیسوادی بود این اشعار سعدی شیراز

«جهان ای برادر نماند به کس

دل اندر جهان آفرین بند و بس»



«ای که پنجاه رفت و در خوابی

مگر این پنج روزی دریابی و...»